

بودجه باید مردم را اصل بداند

محمدمصدق جنان‌صفت
روزنامه‌نگار و تحلیلگر اقتصاد

توزیع قدرت در نظام سیاسی بر خاسته از قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای شکل گرفته که وزن و نقش نهادهای مدنی مثل احزاب و خانواده‌ها نسبت به نهادهای حاکمیتی بسیار سبک و کم‌رنگ است. از سوی دیگر در نبود حزب‌های نیرومند دارای شناسنامه، کارنامه و برنامه در نظام سیاسی موجود، راه برای اینکه دونهاد قدرت یعنی مجلس قانونگذاری و نیز نهاد دولت از یک حزب یا جناح سیاسی باشند را تا امروز - جز برخی استثناءها- سخت کرده است. به این ترتیب در انجام برخی از مهمترین مقوله‌هایی که در اداره کشور سهم بالایی دارند دوگانگی‌های بزرگ پدیدار می‌شوند. از طرف دیگر اما وضعیت کلان اقتصادی و سیاسی نیز در اندازه‌ای است که دخل دولت از خرجش عقب مانده و آن را با روش‌هایی که در هر سال تغییر می‌کند تراز می‌کند. در جامعه ایرانی همانند همه جامعه‌ها مجادله بر سر هر رقم از اقلام بودجه چانه‌زنی‌های سیاسی یا شدت و ضعف ادامه دارد.

در حالی که در روزهای تازه سپری‌شده گام نخست برای بودجه ۱۴۰۵ از سوی دولت برداشته شده و تنها به رئیس و کلیات و راهبردها اشاره شده و هیچ عدد و رقمی در این گام نخست دیده نمی‌شود اما می‌توان دید برخی رسانه‌هایی که نشان‌دهنده آرا و باورهای نهادهای خاص هستند به برخی از راهبردها انتقاد کرده و در همین گام نخست طبل مخالفت را به صدا درآورده‌اند. به نظر می‌رسد دولت باید خود را آماده موج‌هایی از انتقادهای سیاسی کند که در روزهای آینده از این سو و آن سو و با هدف‌ها و خواست‌های گوناگون بر آنچه تهیه شده یورش می‌آورند. نوشته حاضر قصد ندارد به جزئیات بودجه سال آینده

چرا زمان را با مذاکره هدر می‌دهیم؟

محسن صالحی‌خواه
گزارشگر هم‌میهن

دور از واقعیت نیست اگر بگوییم ما با مذاکرات هسته‌ای ایران قد کشیدیم و هر نقطه عطفی در این روند که ۲۲ سال پیش آغاز شد، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در زندگی ما تاثیر گذاشته است. از زمانی که عوامل سازمان ر جوی در سال ۲۰۰۲ در هتل ویلارد واشنگتن، اطلاعات دریاقتی خود از سرویس‌های اطلاعاتی درباره تاسیسات هسته‌ای ایران را افشا کردند تا امروز، تقریباً زمانی را سراغ نداریم که اثری از مذاکرات در اخبار ما نباشد. اخبار یا درباره شکل‌گیری مذاکرات بوده، یا پیشرفت آن و یا شکست‌ها که هر کدام از آن‌ها، قصه‌ای پشت سر دارد.

یکی از مواردی که مقامات و دیپلمات‌های کشورمان به درستی و همواره تکرار می‌کنند، این است که ایران هیچ وقت میز مذاکره را ترک نکرده و همواره آماده گفت‌وگوست. این جمله شاید در ظاهر جمله‌ای مثبت باشد اما در باطن، اشاره‌ای به این موضوع دارد که پرونده ایران همواره بار بوده و روندهای شکل گرفته بر حوالی آن، با کارشنکی‌های خارجی و گاهی داخلی ناتمام باقی مانده است. چرا همواره باید در بحران باشیم که مذاکره یا عدم مذاکره، همواره بخشی از زندگی ما تلقی شود؟ امروز هم مذاکرات در اخبار است و البته نمی‌توان به این موضوع خرده گرفت. چون پرونده باز است. حتی جنگی که پشت سر گذاشتیم و تاسیساتی که به گفته مقامات رسمی کشور با بمباران از بین رفت، تغییری در این مسیر ایجاد نکرد. دیروز و در رویدادی که مرکز مطالعات وزارت امور خارجه برگزار کرد، بار دیگر مقامات وزارت امور خارجه به تبیین مواضع تهران در خصوص موضوع مذاکرات پرداختند و وزیر امور خارجه هم به این موضوع اشاره کرد که «درخواست برای مذاکره مجدداً آغاز شده» است. فارغ از اینکه مذاکراتی میان ایران و آمریکا شکل بگیرد، حداقل سه مجموعه سوال درباره این پرونده و مسیری که در پیش داریم، وجود دارد.

وقتی برنامه هسته‌ای و به طور مشخص غنی‌سازی ایران پس از این جنگ وجود ندارد و عملاً غنی‌سازی سقر رخ داد، طرف مقابل برای چه باید با تهران مذاکره کند؟ چه امتیازی در مقابل چه امتیازی می‌خواهد به ایران بدهد؟ تابستان امسال مسعود پزشکیان در دیدار با مدیران رسانه‌ها به این موضوع اشاره کرد که فعالیت‌ها از سر گرفته شود، طرف مقابل هم بار دیگر حمله می‌کند. رئیس سازمان انرژی اتمی هم در همین رویداد به تهدیدهای مداوم طرف مقابل اشاره کرد و رئیس‌جمهور آمریکا هم بارها به صورت علنی و مستقیم این موضوع را تکرار کرده است. در چنین فضایی قرار است چه مذاکره‌ای شکل بگیرد؟

جنگی که پشت سر گذاشتیم، به دلایل مختلفی رخ داد که می‌توان یکی از این دلایل را عدم انعطاف دو طرف دانست. موضع آمریکایی‌ها در این موضوع مشخص است و نه از موضع منطق بلکه از موضع زور، بر ایران فشار می‌آورند که برنامه غنی‌سازی خود را

ورود کند. این نوشته می‌خواهد به دولت آقای پزشکیان یادآوری کند اگر به آنچه تهیه کرده‌اند باور کارشناسی دارند سخت روی آن بایستند و بر چرم سفید در برابر منتقدان در دست نگیرند. تجربه نشان می‌دهد اگر در دستگاه‌های دولتی، دولت و سازمان برنامه و بودجه همه نیروی کارشناسی خود را برای بهترین بودجه‌بندی به کار نگیرند در عمل ناگزیرند به تغییراتی تن دهند که با واقعیت‌های کشور و اقتصاد سازگاری ندارند. به این ترتیب رئیس‌جمهور به عنوان نفر اول کشور که مسئولیت تهیه و اجرای بودجه‌های سالانه را برعهده دارد باید با استفاده از نیروهای درون دولت و نیز نیروهایی که در بودجه‌بندی تجربه دارند بیشترین دقت و سخت‌گیری را از خود نشان دهد.

رئیس‌جمهور از سازمان‌ها و وزارتخانه‌های درآمدساز به‌ویژه وزارت نفت و نیز وزارت اقتصاد که بار اصلی درآمدهای بودجه را بر دوش دارند باید به صورت جدی بخواهد شجاعانه و کارشناسانه در تعیین درآمدهای بودجه رفتار کنند و درآمدهای خیالی نشان ندهند. از سوی دیگر رئیس دولت باید از مدیران و کارشناسان سازمان‌های وزارتخانه‌های خرج بخواهد از زیاده‌خواهی‌های قدیمی و اینکه افتخار کنند از بودجه سهم بیشتری گرفته‌اند را کنار بگذارند.

دولت و به‌ویژه رئیس‌جمهور در این وضعیت ناداری و بی‌پولی کشور باید توجه به زندگی و کسب‌وکار شهروندان را اصل کار برای بودجه‌بندی قرار دهند و از قبول هزینه‌سازی‌هایی که در مسیر افزایش رفاه مردم نیستند خودداری کند. اگر این کار در همین روزها اتفاق نیفتد و دولت در برابر زیاده‌خواهی‌های غیرمفید چه در درون دولت و چه در برابر دیگر مراکز خرج ایستادگی نکند بودجه را باخته است. رئیس‌جمهور اگر نخواهد ناتوانی‌های پیشین را جبران کند بهترین زمان همین بودجه‌بندی است. دولت باید با مردم و با گروه‌های گوناگون درباره اهمیت بودجه بدون کسری حرف بزند. سفره مردم نباید خالی‌تر از این شود؛ این یک اصل است که بر هر چیز دیگر برتری دارد.

تعطیل کند. موضع ایران هم مشخص است و این نگاه زورگویانه را نمی‌پذیرد. در چنین فضایی، طرف متخاصم از توانایی خود استفاده کرد و دارایی‌های ایران را از بین برد؛ ما هم از لحاظ نظامی توانستیم از این تاسیسات محافظت کنیم. چطور قرار است از این شرایط بدون خسارت بیشتر عبور کنیم؟ وقتی هیچ طرف انعطاف نداریم و یک طرف زورش بیشتر است، نتیجه همین خواهد بود.

خوب است که هزینه - فایده این برنامه را یک بار با شجاعت و صداقت بررسی کنیم. به طور مشخص، غنی‌سازی ۶۰ درصد چه امتیاز و دستاوردی برای ما محسوب می‌شود؟ در حالی که استفاده خاصی برای آن متصور نبودیم و حتی به‌رغم برخی تبلیغات عجیب داخلی، باعث به وجود آوردن بازدارندگی هم نشد. قصه بازدارندگی را اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد همان قدر عجیب بود که این روزها تعریف قصه‌ای تحت عنوان ابهام هسته‌ای عجیب است. اورانیوم ۶۰ درصد ایران زیر خاک مدفون شد.

به عنوان کشوری که دارنده یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز در جهان است و می‌توانست در صنعت انرژی حرفی برای گفتن داشته باشد، قاعدتاً نباید همه چیز را پای برنامه‌ای می‌گذاشتیم که علاوه بر حواشی امنیتی و سیاسی آن، از لحاظ ذخایر مواد مورد استفاده در آن - اورانیوم - یکی از فقیرترین سرزمین‌های جهان محسوب می‌شویم.

۳ تا چه اندازه تغییر هندسه امنیتی خاورمیانه دو سال پس از ۱۷ اکتبر را درک کرده‌ایم و قصد داریم با نگاه به ترتیباتی که عوض شده، سیاست‌های خود را تطبیق دهیم؟ امروز هیچ چیز شبیه قبل از ۱۷ اکتبر نیست. قرار است در این روندی که برایش چارچوب مشخص کرده‌ایم و چارچوب‌هایی غیرمنطقی هم نیستند، با وضعیت منطقه چه کنیم؟ همه می‌دانیم که موضوع هسته‌ای نقطه فشار بر ایران بوده و هیچ‌وقت تمام قصه در آن خلاصه نشده است. آیا نگاهی به این موضوع داریم که نگاه‌مان به جریان جنگ نامنتظران یعنی مقاومت را تغییر دهیم، به جای ارتباط با گروه‌های مقاومت بر ارتباط با دولت‌های منطقه تمرکز کنیم و شرایط را به سمت ثبات ببریم؟ نکته اینکه مقامات عراق و لبنان به عنوان دو کشور باقی‌مانده از این محور، به صورت علنی، مستقیم و غیرمستقیم این تغییر را از تهران طلب می‌کنند. بسیاری از ابزارهای موثر ایران در دوران پیش از ۱۷ اکتبر در این روند دو ساله دستخوش تغییر شدند و وضعیت سابق را ندارند. تجربه هم نشان داده است که بازسازی آن‌ها اگر مقدور باشد، نتیجه‌ها هم ادامه همین وضع است. آیا به این موضوع فکر می‌کنیم که در عین عدم شناسایی اسرائیل به عنوان یک رژیم آپارتاید، جنایتکار و نسل‌کش، بر چسب تهدید را از خود برداریم و مسیر پیشین را تغییر دهیم؟

باید برای مجموعه‌ای از این سوالات پاسخ‌های جدی پیدا کنیم و به این نقطه برسیم که امروز دقیقاً کجا ایستاده‌ایم. ما امروز نیازی به مذاکره نداریم وقتی پایانی برای آن متصور نیستیم؛ نیازمند این هستیم که نقشه‌راهی مشخص داشته باشیم. بدانیم دقیقاً قرار است با برنامه هسته‌ای چه کنیم و آینده را چگونه ترسیم کرده‌ایم. اگر واقعاً تمام این سوال‌ها جواب دارد و آینده روشن است، چرا باید زمان و منابع و ظرفیت کشور را در مذاکرات هدر دهیم؟ پایان این روند را اعلام کنیم.



عکس: علی شریعتی/آژانه، ایران

عراقچی از پالس‌های جدید آمریکا خبر داد، خرازی از استقبال مشروط گفت

احتمال از سرگیری مذاکرات

ایران از طریق حمله نظامی می‌خواستند برسند، نرسیدند و این همان حرفی بود که ما بارها گفته بودیم؛ موضوع هسته‌ای ایران راه حل نظامی ندارد. آن را امتحان کردند و متوجه شدند که این راه حل، راه حل درستی نیست». او ادامه داد: «این گونه نیست که چیزی را که در جنگ به آن نرسیده‌ای، بتوانی در مذاکره به دست بیاوری و خواسته‌های خودت را تحمیل کنی. اولین قدم در دیپلماسی و مذاکره این است که بپذیریم مذاکره با دیکته کردن و زورگفتن تفاوت دارد. در مذاکره، دادوستد و منافع متقابل مطرح است. این گونه نیست که یک طرف بتواند به هر آنچه می‌خواهد برسد. مذاکره و دیپلماسی باید مبنای معقول و منطقی داشته باشد و با جدیت صورت گیرد. اگر چنین شرایطی برای مذاکره فراهم شود، جمهوری اسلامی ایران ثابت کرده که همواره برای مذاکره آماده است. ما هیچ‌وقت میز مذاکره را ترک نکرده‌ایم؛ همیشه طرف‌های مقابل ما بودند که به میز مذاکره خیانت کردند. هم در توافق برجام سال ۲۰۱۵، جمهوری اسلامی ایران با حسن‌نیت مذاکره کرد، با حسن‌نیت توافق کرد و با حسن‌نیت اجرا کرد. اما آمریکا بدون هیچ دلیلی، در حالی که ایران به‌طور کامل به تعهدات خود پایبند بود، بدون هیچ دلیلی از توافق خارج شد و به دیپلماسی خیانت کرد؛ به توافقی که محصول دیپلماسی بود و همه‌دنیا آن را در سال ۲۰۱۵ جشن گرفته بودند. این بار نیز این خیانت به شکل بدتری و با حمله به ایران بروز

هتاکي به نرجس سلیمانی در فضای مجازی به شورای شهر تهران کشیده شد

با شهرداری تهران در خصوص نهاد پایش، با ایشان انجام دادند.» او افزود: «لذا ما، نمایندگان شورای شهر تهران، از حضرت‌عالی استدعا داریم دستور فرمایید این هتاکان زنجیره‌ای و مواج‌بگیر و عوامل پشت پرده آنان شناسایی و تحت تعقیب قرار گرفته و برابر قانون با آنان برخورد شود.»

به ناموس سردار سلیمانی جسارت شده

پس از آن نیز حبیب کاشانی، عضو شورای شهر تهران درباره این‌هتاکي تاکید کرد: «آقای شهردار دوستانی دارند که صاحب‌نظر هستند. این اتفاقی که امروز ما به‌قوه قضائیه پناه بردیم می‌توانست رخ ندهد که یک فردی به یادگار شهید سلیمانی هتاکي کند.» او افزود: «شهردار و برخی از معاونان دلجویی کردند اما ما محتاج دلجویی نبودیم. [...] وقتی شما (شهردار تهران) شورای شهر را غیرقانونی می‌دانید، خلاف قانون قلمداد می‌کنید، رئیس شورا را متهم می‌کنید، نتیجه این می‌شود. آقا فرمودند: «شورا ریشه است.» نمی‌شود به این ریشه تیشه زد. [...] پس از پایان جلسه بعدی هم شما (زاکانی) همان مطالب را در رسانه تکرار کردید.» این عضو شورای شهر تهران تاکید کرد: «قدیم فیلسی ساختند که برای مراسم ختم گریه‌کن می‌پرند و می‌نوشتند: «چند می‌گیری گریه کنی؟» الان باید برسیم «چند می‌گیری فحش بدهی؟ چند می‌گیری هتاکي کنی؟» من نمی‌دانم چه اتفاقی رخ داده که یک نفر جرأت چنین ادبیاتی داشته باشد؟ جز آنکه از اشتباهات ما سوءاستفاده کند؟ ما حاصل رفتار غلط همان می‌شود که خانم سلیمانی گفت. برخی هم فکر می‌کنند اختلافی وجود دارد و بهترین زمان است که انتقام‌شان را از شهید سلیمانی و یادگار او بگیرند. به ناموس شهید سلیمانی جسارت شد؛ فردی جرأت کرد الفاظی که در شأن خودش بودیه کار ببرد. نمی‌دانم ما چقدر در ایجاد این فضانقش داشتیم.»

پیشرفت در شهرداری با بی‌احترامی به منتقدان زاکانی

پیش از این هم برخی از مدیران شهرداری به اعضای شورای شهر تهران توهین کرده بودند. محمدعلی الفت‌پور، رئیس وقت مرکز نوسازی و تحول اداری شهرداری تهران در واکنش به صحبت‌های سوده نجفی نوشته بود: «وقتی ناکارآمدترین و ضعیف‌ترین‌ها که ربطی به هیچ‌گونه مدیریتی ندارند، اظهارنظر می‌کنند...» مهدی چمران اعلام کرد که این‌فرد به دلیل بی‌احترامی به یکی از اعضای ششورای شهر تهران تنبیه خواهد شد اما او پس از مدتی شهردار منطقه ۱۵ شد.

مهدی قمی، مدیرعامل وقت شرکت پیام رسان نیز در پاسخ به گلایه سوده نجفی درباره وضعیت جمع‌آوری زباله‌های شهر نوشته بود: «زباله جمع‌شدنی

پریسا هاشمی
گزارشگر شهری هم‌میهن

روز گذشته شورای شهر تهران متأثر از هتاکي به «نرجس سلیمانی» عضو این شورا و دختر سردار سلیمانی در فضای مجازی بود. نرجس سلیمانی که سه‌شنبه هفته گذشته به علیرضا زاکانی، شهردار تهران پیشنهاد داده بود: «اگر اقدامات شورای شهر پایتخت را غیرقانونی می‌دانید، استعفا بدهد چرا که یکی از مهم‌ترین اقدامات شورای شهر تهران انتخاب او به عنوان شهردار بوده است.» پس از این موضوع برخی در فضای مجازی با هویتی معلوم در فضای مجازی به حمایت از زاکانی و هتاکي به نرجس سلیمانی پرداختند. بی‌احترامی به اعضای شورای شهر تهران، آن‌هم به حمایت از زاکانی اولین بار نبود که در فضای مجازی منتشر شده بود اما این بار به نوعی سردار سلیمانی زیرسوال رفته بود. درست است که هتاک پس از آن در صفحه شخصی شبکه ایکس اعلام کرد که نرجس سر سفره همسرش نشسته و منظورش سردار سلیمانی نبوده اما پست قبلی او در فضای مجازی چرخیده و در رسانه‌ها باز خورد پیدا کرده بود.

تخریب دختر سردار سلیمانی



سوده نجفی، عضو هیئت‌رئیس شورای شهر تهران اما از ارسال شکوائیه برای رئیس قوه قضائیه خبر داده و با اشاره به اینکه با توجه به تخریب‌هایی که در هفته گذشته نسبت به همکار ما خانم سلیمانی، فرزند شهید برومند شهید سلیمانی، صورت گرفته بود، ما برای رئیس قوه قضائیه نامه‌ای ارسال کردیم؛ درباره بخشی از متن این نامه تاکید کرد: «نرجس سلیمانی، یادگار سردار سرفراز و قهرمان ملی کشورمان، شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی و نماینده مردم تهران در شورای شهر تهران، ری و شمیرانات، بر حسب وظیفه قانونی نمایندگی خود در جلسه علنی این شورا مورخ ۲۰ آبان تذکری را به شهردار تهران داده و از ایشان خواست شوری را که مشروعیت را با اخذ رأی اعتماد از آنان گرفته‌اند، مورد رفتار خلاف قانون قرار ندهند؛ زیرا این عمل مصداق مثل معروف «بر شاخه نشستن و بون بریدن» خواهد بود. متأسفانه بلافاصله توسط فردی با هویت معلوم و افراد مجهول، اما مواج‌بگیر و اجیر دیگر، ناجوانمردانه و گستاخانه مورد تهمت و تخریب قرار گرفته و القابی که شایسته خودشان است، به این همکار شجاع و فرهیخته ما در شورای شهر تهران نسبت داده شد. متأسفانه همین رفتار را نیز پس از اختلاف آقای چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران